



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

عنوان:

بررسی و مقایسه ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از منظر اسلام و پساساختارگرایی

استاد راهنما:

دکتر ماهرزاده

استاد مشاور:

دکتر صمدی

دانشجو:

بتول شاهی

خردادماه سال ۱۳۹۰

کلیه دستاوردهای ناشی از تحقیق فوق متعلق به دانشگاه
الزهراس (س) است.

تقدیم به:

صدر نشین شه پیغمبری ،خواجه دنیا و دین، گنج وفا، صدر و بدر هر دو عالم، آفتاب شرع و دریای یقین ،نور و رحمت عالم، حضرت محمد مصطفی خاتم النبیین (ص) که:

ای خاک ره تو عرش را تاج یک پایه زقدرتوست معراج

تقدیم به پدرم:

اسطوره گذشت که آسمان دست هایش سایبان تنهایی است و گامهای استوارش راهنمای من به سرزمین طلایی ام

و تقدیم به مادرم:

دریای بی پایان محبت که با هر موجش ترانه ی روشن عمر را جاودانه بر ساحل زندگی زمزمه می کند

سپاس آن دو نگهبان باغ زندگی را که شکستند تا نهال زندگی جوانه زند.

تقدیم به خواهران و برادران عزیزم

که همواره یاور و پشتیبان من بوده اند

و

تقدیم به خواهر زاده ی عزیزم ستایش

تشکر و قدردانی

با سپاس فراوان از پروردگار متعال که توفیق گام نهادن در راه علم را بر این بنده ی بی مقدار عنایت فرمود.

در اینجا بر خود واجب می دانم تا مراتب سپاس و امتنان قلبی خویش را از همه کسانی که در به ثمر رساندن این مجموعه یاری ام کرده اند، اعلام دارم.

سپاس بی پایان خود را به استاد راهنمای گرامی سرکار خانم دکتر ماهروزاده که همواره مشوقم بوده اند و در نهایت صبر و شکیبایی و اطلاعات ارزشمند خود مرا مورد لطف و عنایت قرار داده و از هیچ کمکی دریغ ننموده اند، تقدیم می دارم.

از استاد مشاور خوبم، سرکار خانم دکتر صمدی نیز که نه تنها راهنمای علمی و اخلاقی ام بوده اند بلکه همواره با اطلاعات ارزشمند خود مرا مورد لطف قرار داده اند سپاسگذارم.

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه ماهیت تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی می پردازد. تفکر انتقادی، با بن مایه ی سنجش آرا، افکار و ادعاها و همچنین تصمیم گیری صحیح، مورد مطالبه ی فیلسوفان و جامعه شناسان است و از طریق این دو گروه به علوم تربیتی و روان شناسی وارد شده و در کنار مفاهیم دیگری چون روش حل مساله و تفکر خلاق قرار گرفته است. فیلسوفان، ذات فلسفه را تفکر انتقادی می دانند. پسا ساختارگرایی به عنوان یکی از شاخه های پست مدرنیسم د رپی نقد ساختارها و بنیان ها و مفروضات ساختارگرایی و هر نوع اندیشه ساختارگرایانه است که این مهم بواسطه تفکر انتقادی و مولفه های آن صورت می گیرد. با توجه به اینکه آموزه های تربیتی و فرهنگی پسا ساختارگرا به سرعت در حال انتشار است بنابراین لزوم آشنایی مسئولین تربیتی با این آموزه ها امری انکارناپذیر است و با توجه به اینکه اندیشه و فرهنگ اسلامی، به منزله ی امری ریشه دار در تاریخ این مرز و بوم، محتوا و جهت مشارکت مردم را مشخص می سازد بنابراین نوع نگاه دو رویکرد به تفکر انتقادی، روشهای تربیت تفکر انتقادی، موانع رشد تفکر انتقادی و در پایان وجوه افتراق و اشتراک این دو رویکرد با استفاده از منابع موجود و از طریق روش تحلیل کیفی (روش بردی) استخراج و مقایسه گردیده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که برخی ناهمخوانی ها در زمینه های مختلف از جمله نفی فراروایت ها، نفی تمامی الگوها و اسوه های اخلاقی و لزوم نقد آنها از دیدگاه پسا ساختارگرایی در تضاد با تفکرات اسلامی و تناقض مبانی اسلامی با مبانی تفکر انتقادی و تفاوت د راهداف تفکر انتقادی از دیدگاه اسلامی با تفکر انتقادی از دیدگاه رویکردهای غربی است. همچنین تفکر انتقادی در پسا ساختارگرایی و کلیه مکاتب غربی در جهت اهداف لیبرالیستی و آزادی فردی است حال آنکه هدف از تفکر انتقادی در اسلام رسیدن به آرمان های الهی و انسانی است.

کلید واژه: تفکر، تفکر انتقادی، پسا ساختارگرایی، تفکر انتقادی در اسلام

"من دلائل العالم انتقاده الحديثه وعلم بحقائق فنون نظر"

از نشانه های عالم، نقد سخن و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است.

(امام حسین علیه السلام)

فصل اول

مقدمه

بیان مسئله

اهمیت و ضرورت تحقیق

تعریف واژگان کلیدی

روش تحقیق

فصل دوم (ادبیات تحقیق)

الف: مبانی نظری

ب: پیشینه پژوهشی

مقدمه:

پیشینه تفکر:

نظریه های حامی تفکر

تعاریف

الف: نقد

ب: تفکر انتقادی

پیشینه نظری تفکر انتقادی

ویژگی های تفکر انتقادی

الف) تواناییها و مهارت ها

ب) گرایشها و تمایلها

ج) فراشناخت

ویژگی های متفکر نقاد

دلالت های تربیتی تعلیم و تربیت انتقادی در

پاسااختارگرایی

مهارت های تفکر انتقادی

پیشینه پژوهشی تفکر انتقادی

فصل سوم:

۲

۵

۹

۱۲

۱۵

۱۶

۱۶

۱۶

۱۷

۱۷

۲۱

۲۴

۲۴

۲۸

۳۵

۳۷

۳۷

۴۰

۴۲

۴۴

۵۱

۵۳

۵۸

۶۴

۶۴

۶۴

۶۴

۶۴

۶۶

۶۹	تفکر انتقادی در پساساختارگرایی
۷۱	تفکر انتقادی در اسلام
۷۳	پیشینه نظری پساساختارگرایی
۷۶	مفهوم شناسی پساساختارگرایی
۷۷	پساساختارگرایی و نقد متافیزیک
۷۸	ساختارگرایی - پساساختارگرایی
۸۰	نقدهایی بر ساختارگرایی
۸۰	پیش زمینه های سنت پساساختارگرایی
۸۵	اندیشه های میشل فوکو
۸۷	اندیشه های ژاک دریدا
۸۸	ظهور مفهوم گفتمان
۸۹	عوامل رشد تفکر انتقادی از دیدگاه فوکو
۹۵	الف) تحلیل گفتمان
۹۵	ب) روابط بین قدرت و دانش
۱۰۵	رابطه تفکر انتقادی و پساساختارگرایی
۱۰۷	پداگوژی انتقادی
۱۰۹	پیشینه پژوهشی پساساختارگرایی
۱۱۰	تفکر انتقادی در اسلام
۱۱۲	الف) جایگاه تفکر در قرآن
۱۱۲	ب) جایگاه منطق در اسلام
۱۱۶	ج) جایگاه نقد در معرفت شناختی اسلامی
۱۲۳	اصل نقد مداوم آموخته ها
۱۲۴	انسان شناختی تعلیم و تربیت اسلامی
۱۲۴	اصل عقل ورزی
۱۲۵	روش تعلیم حکمت
۱۲۷	پیشینه پژوهشی تفکر انتقادی در اسلام
۱۲۷	
۱۲۷	
۱۲۸	
۱۳۰	
۱۳۱	

۱۳۱	انسان شناسی پساساختارگرایی و اسلام
۱۳۲	انسان شناسی اسلامی
۱۳۳	۱.عمل و ادراک حسی
۱۳۵	۲.زبان و عمل
۱۳۶	۳.عمل و رویا
۱۳۷	۴.عمل و نظام های اجتماعی
۱۳۷	انسان در دید گاه پساساختارگرایی
۱۳۷	تفاوت های عمده انسان شناسی اسلامی و
۱۳۸	پساساختارگرایی
۱۳۸	اصول تعلیم و تربیت در اسلام
۱۴۴	۱.اصل نقد مداوم آموخته ها
۱۴۶	۲.اصل عقل ورزی
۱۴۷	۳.اصل حقیقت جویی
۱۴۷	۴.اصل الگوگیری
۱۴۸	۵.اصل مذمت ظن و شک
۱۴۸	اصول تعلیم و تربیت در پساساختارگرایی
۱۴۹	۱.اصل خلق معنا
۱۵۳	۲.اصل تمرکز دایی از عقل
۱۴۹	۳.اصل نقد تمامی الگوها و اسوه ها
۱۵۳	۴.اصل تکیه بر ظن و شک
	نکات کلیدی در تفکر انتقادی
	فصل پنجم: پاسخ به پرسش های پژوهش
	پرسش اول: ماهیت تفکر انتقادی از منظر
	پساساختارگرایی و اسلام چیست؟
۱۶۹	

۱۶۹	پرسش دوم: روشهای تربیت تفکر انتقادی
۱۸۵	پرسش سوم: موانع رشد تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پساساختارگرایی چیست؟
۱۹۲	پرسش چهارم: وجوه تمایز و افتراق تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پاساختارگرایی چیست؟
۱۹۴	نهی منکر و انتقاد
۱۹۷-۲۰۳	معیارهای نقد عوام معیارهای نقد خواص فهرست منابع و مآخذ

فصل اول:

اهمیت و بیان مسئله

۱- مقدمه:

اصطلاح تفکر انتقادی برای اولین بار در فرهنگ پر دامنه یونان و آتن سده پنجم پیش از میلاد پیدا شده عصر حاکمیت "پریکلس" و رونق زیاد دولت و شهر های دیگر یونان که به دلیل مهاجرت، حرکت جمعیت و از همه مهمتر تفکر خلاق و تحرک ذهنی شگرف توانسته بود بزرگترین نظریه های فلسفی را به جهان عرضه کند. سقراط نخستین فیلسوفی بود که داور روزگار خویش خوانده شده بود روش تربیتی او بر پایه "گفتمان" بنا شده بود. سقراط به عنوان نقاد تربیتی معتقد بود، او هام غیر معقول، مردم را رهبری می کند و به همین دلیل آنها تحت تاثیر احساسات واقع می شوند. (جهانی، ۱۳۸۰، ص ۱۲)

بطور کلی بسیاری از تعاریف و روشهایی که در متون تربیتی و آموزشی در مورد تفکر انتقادی آمده است ریشه در فلسفه ی مدرن دارد؛ فلسفه یی که در آن حقیقت مطلق وجود ندارد. مبانی این دیدگاه فلسفی بر اصل خطاپذیری معرفت استوار است. بدین ترتیب فضا برای انتقاد پذیری و عدم پذیرش فوری و قطعی مسائل باز میشود.

خاستگاه تفکر انتقادی با بن مایه ی سنجش آراء، افکار و ادعاها مورد مطالبه فیلسوفان و جامعه شناسان بوده است.

دلایل جامعه شناسان برای پرداختن به تفکر انتقادی بیشتر به خاطر آگاه کردن جامعه نسبت به باندهای تبهکاری، رفتارهای خطرناک مانند اعتیاد و ایدز، مقابله با جهانی سازی ایدئولوژی سرمایه داری و هوشیار کردن مردم نسبت به جریاناتی است که سعی دارند با وادار کردن جوامع به مصرف گرایی، از آنها سوء استفاده کنند.

فیلسوفان نیز، ذات فلسفه را تفکر انتقادی میدانند. از میان آنان، پیروان مکاتب مبتنی بر نسبیت معرفت و اصالت آزادی نیز، این را مسلم و حق انسان میدانند که خود دنیا را بشناسد و دنیای خویش را بسازد.

همان طور که بیان شد قرن هاست که اکثر فلاسفه و صاحب نظران تعلیم و تربیت معتقدند که انسان برای حفظ و ادامه زندگی خود نیاز به یاد گرفتن و اندیشیدن دارد. از ابتدای تاریخ تا کنون بشر موفق به خلق چند الگوی برجسته آموزشی گردیده که از نظر مفروضات زیر بنایی و خاستگاه فلسفی متفاوتند، به طوری که از میان آنان می توان از الگوی آموزش

یادگیری-محور و الگوی تفکر-محور نام برد. در اکثر کشورهای جهان عمدتاً از الگوی یادگیری محور به حد افراط استفاده کرده و از الگوی دوم غفلت ورزیده و یا به صورت حاشیه ای از آن بهره برده اند. این روند تا اوایل قرن بیستم یعنی آغاز تغییرات شگرف اجتماعی و فناوری ادامه داشت تا اینکه توجه به تفکر معقول و پرورش اندیشه آزاد که با مبانی تعلیم و تربیت تفکر مدار همخوانی داشت، به عنوان بدیل قدرتمند آموزش مبتنی بر یادگیری، وارد عرصه های عملی تعلیم و تربیت گردید و تغییرات زیادی را در این زمینه بوجود آورد.

از جمله این تغییرات می توان از وقوع انقلابی خاموش در تعلیم و تربیت نام برد. انقلابی که منجر به شکل گیری جنبش تفکر انتقادی گردید. یقیناً موفقیت هر نظام آموزشی بستگی به توانایی افراد در تحلیل مسایل و تصمیم گیری متفکران دارد. در نظام های آموزشی پیشرفته افراد باید بتوانند به طور فعال تلاش کنند و به طور راهبردی درباره ی یادگیری خود بیاندیشند. (بیدگلی، ۱۳۸۴، ص ۴)

در نیمه دوم قرن بیستم بحث های پست مدرنیستی مورد توجه محافل علمی و دانشگاهی قرار گرفت و تاکنون کم و بیش موضوع بحث و مناظره در بین اندیشمندان علوم انسانی بوده است. "اصطلاحات مدرنیته و پست مدرنیسم در دهه ی ۱۹۸۰ با مناظره هابر ماس و فوکو وارد جامعه شناسی شد. از نقطه نظر جامعه شناختی می توان یک نوع ارتباط بین ساختارگرایی، پسا ساختارگرایی و پست مدرنیسم قائل شد، به این صورت که پسا ساختارگرایی یکی از مباحث بسیار مهم پست مدرنیسم است که از دهه ی ۱۹۶۰ در مباحث فلسفی و ادبیات مطرح شد. "اولین بنیان گذاران آن را اندیشمندان فرانسوی از جمله دریدا، فوکو، بارت می دانند.

با مطالعات انجام شده درباره ی نسبت پسا ساختارگرایی با تعلیم و تربیت این نتیجه حاصل شده که یکی از دلالت ها و پیامد های این رویکرد تاکید بر تفکر انتقادی، ارتقا خود آفرینی، توجه به فرهنگ ها و گفتمان های دیگر، استفاده از روش گفتگو و مذاکره، ایجاد نگرش تکثر گرایی، شنیدن صداهای دیگر و ایجاد توانایی توجه و گوش سپردن به دیگران و در دیدگاه معرفت شناسی روش های تدریس مبتنی بر دیالکتیک، تعامل و گفتگوی نقادانه است. (دشتی، ۱۳۸۴، ص ۶)

در روش‌ها و مدل‌های آموزشی می‌توان به روش‌های مباحثه، همیاری و تبادل نظر در امر تدریس و یادگیری اشاره کرد. تعلیم و تربیت پس‌اساختارگرا انتقادی است و لازم است با دقت به تبیین و مطالعه مبانی فلسفی آن پرداخته شود.

از سوی دیگر در آموزه‌های دینی ما مسلمانان، نقد اندیشه از اهمیت ولایی برخوردار است زیرا توانایی نقد، امکان تشخیص سره از ناسره و قضاوت صریح را فراهم می‌کند، تفکر انتقادی زمینه شناختی بهتر و عمیق‌تر است، از منظر اسلام، انتقاد گری و انتقادپذیری ضمن اینکه یکی از ویژگی‌های انسان کامل به حساب آمده، لازمه پویایی و حرکت تکاملی فرد و جامعه اسلامی است نیز می‌باشد. در شرایط فکری کنونی جامعه اسلامی، لزوم تحقق اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مدارس به عنوان زمینه ساز فکری ایجاد تمدن بزرگ اسلامی مستلزم اعتقاد جدی به رابطه‌ی تنگاتنگ هستی‌شناسی اسلامی و عرفانی با تمام علوم است. و با توجه به اینکه مکتب اسلام دارای کاملترین نظام فکری در همه‌ی عرصه‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی مترقی است، لزوم بازنگری تفکرات فلسفی غربی من جمله "تفکر انتقادی و مولفه‌های آن" براساس مبانی تربیت اسلامی بارز است. و با توجه به اهمیت علوم انسانی و به خصوص علوم اجتماعی نقد اندیشه امری ضروری است لذا لازم است ماهیت تفکر انتقادی در این دو رویکرد فلسفی مورد بررسی قرار بگیرد تا نقاط اشتراک و افتراق آن مشخص گردد.

۱-۲. بیان مسئله:

در عصر رو به تحول امروزی یکی از مصادیق مهم اندیشه ورزی و پاسداری از تفکر عرصه‌ی آموزش و پرورش می‌باشد، به همین دلیل تعلیم و تربیت همواره تحت تاثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. پس اگر نهاد تعلیم و تربیت با تغییرات سایر بخش‌ها همراه نشود سوی جداگانه در پیش می‌گیرد و ماهیتی راکد و ایستا پیدا می‌کند و تعلیم و تربیت این بار در کشاکش تفکرات سنتی و پست مدرنیستی قرار گرفته است و عده‌ای از اندیشمندان و فیلسوفان تربیتی سعی دارند آموزه‌های متأثر از این تفکر را استنباط کرده و در اختیار نهادهای تربیتی قرار

دهند. تاکنون نظرات فلسفی متأثر از رویکردهای فلسفی بوده است. از آن جایی که پسا ساختارگرایی در شکل گیری تعلیم و تربیت انتقادی عامل مهمی به شمار می رود، لازم است که این موضوع تبیین شود و دیدگاه آن درباره ی تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار بگیرد.

پسا ساختارگرایی یکی از نظریه های اصلی پست مدرنیسم است که در حوزه علوم انسانی شکل می گیرد و اولین بار با انتقادات دریدا بر فلسفه ساختارگرایی در باب زبان و نقد اواز پدیدار شناسی هوسرل آشکار شد. پسا ساختارگرایان بر این باورند که حقیقت در ارتباط با قدرت و گفتمان قابل تعریف است، این گفتمان است که تعیین می کند چه چیز باید مورد توجه قرار گیرد و چه گزینه هایی را باید حذف کرد. حقیقت ساخته گفتمان ها و حاصل روابط قدرت است بنابراین حقیقت ساختنی است نه کشف کردنی. بیش از یک دهه است که تفکر پسا ساختارگرایی آموزه های تربیتی را تحت تاثیر قرار داده است. یکی از پیامدهای این تاثیر، تعلیم و تربیت انتقادی بوده است. تعلیم و تربیت انتقادی این رهنمود را بر ما عرضه می کند که نباید خود را اسیر ساختارهای غیر متعطف و دیوان سالارانه کرد. بلکه باید یک بار دیگر ساختارها، مفاهیم و عناصر را در هم بریزیم. تناقضها و تضادهای دوگانه را بشناسیم؛ آن گاه به وارونه کردن ساختارها، مفاهیم بپردازیم پس کار تعلیم و تربیت انتقال دانش یا میراث فرهنگی نیست و نباید مدرسه را محل تبادل دانش محسوب کرد. هدف تعلیم و تربیت نباید پرورش نخبگان باشد و در اختیار مطامع قدرت سیاسی قرار بگیرد و ساختارهای قدرت را تحکیم بخشد. بلکه باید هدف خود را در جهت رسیدن به دموکراسی واقعی قرار دهد. تلاش تعلیم و تربیت نیز در جهت رسیدن به برابری، محتوای مناسب و تمرکز بر نتایج می باشد. روش های سنتی مبتنی بر رعایت نظم و انضباط، آزمون، پرورش قوه ی تفکر از طریق توجه به انتزاعات و استدلال ذهنی و عینی و کنترل امور می باشد. معرفت شناسی پسا ساختارگرایی مبتنی بر تکثر گرایی، چندگانگی، ساختار شکنی، رد دوگانگی ها و توجه به زبان در ساخت دانش و حقیقت است. با چنین اوصافی این که تعلیم و تربیت نوین بر چه ویژگی های استوار می شود، و چه نوع مبانی معرفتی را می توان برای آن در نظر گرفت منعکس کننده خواسته های اجتماعی و فرهنگی باشد سوالی است که باید پاسخ داده شود.

در مقابل، قرآن مهمترین توصیه ها را در مورد داشتن تفکر انتقادی به انسانها دارد حتی هنگامی که به انسان توصیه می کند که به پدر و مادرش نیکی کند بلافاصله تذکر می دهد که حتی در مقابل پدر و مادر نیز باید تفکر انتقادی ما فعال بوده و حتی از آنها نیز کور کورانه اطاعت نکنیم. این پیام جوهر اصلی تفکر انتقادی است. این جوهر عبارت است از بررسی صحت، دقت و ارزش دانسته ها و اطلاعات حتی وقتی که از سوی عزیزترین کسان به انسان ابلاغ می شود و سعی می کند انسان را به گونه ای تربیت کند که به پیام توجه کرده و آن را تحلیل کند و تحت تاثیر گوینده پیام و جایگاه و مرتبه او قرار نگرفته و این جایگاه و مرتبه گوینده موجب عدم استفاده ما از تفکر انتقادی نباشد.

"ووصینا الانسان بوالدیه حسنا و ان جاهداک لتشکرک بی ما لیس لک به علم فلا تتعمها"

و ما به آدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند و اگر آنها بکوشند تا تو به من که خدای یگانه ام از روی جهل و نادانی شرک آوری در اینجا هرگز از امر آنها اطاعت نکن (سوره عنکبوت آیه ۸)

"یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا اباءکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان"

ای اهل ایمان شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید اگر آنها کفر را بر ایمان برگزینند. (سوره توبه آیه ۲۳)

قرآن مشرکان را که دارای مهارت تفکر انتقادی نبوده و بدون بکار بستن آن از پدران خود تبعیت می کنند کر و کور و لال خوانده و آنها را به حیوانی که توانایی استفاده از تفکر انتقادی ندارد تشبیه نموده است. برآستی در کدام دین و برنامه زندگی تا این حد تفکر انتقادی مورد توجه قرار گرفته است. و آیا می توان ادعا نمود که این شیوه تفکر و این مهارت به تازگی کشف شده است؟

"و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفینا علیه اباؤنا او لو کان ابواهم لا یعقلون شیئا و لا یهدون . و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لا یسمع الا دعاء و نداء صم بکم عمی فهم لا یعقلون"

و چون کفار را گویند که پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود ، آیا باید آنها تابع پدران خود باشند در صورتی که آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافتند و مثل کافران در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن چون حیوانی است که آوازش کنند و از آن آواز معنایی درک نکرده و جز صدایی نشنود و کفار هم از شنیدن و گفتن و دیدن حق کر و لال و کورند زیرا عقل خود را به کار نمی بندند. (سوره بقره آیه ۱۷۰ و ۱۷۱)

"الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله"

آن بندگان که چون سخن را بشنوند نیکوترین آن را عمل کنند خدا آنها را به لطف خواست خود هدایت فرموده است. (سوره زمر آیه ۱۸)

(امام علی علیه السلام) می فرمایند:

"انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال"

نگاه کن که چه می گویند و توجه نکن که چه کسی می گوید.

"اتهموا عقولکم فانه من الثقة بها یكون الخطا"

خرد خویش را متهم کنید چون اطمینان به آن اشتباه است. (غررالحکم ۳/۲۶۸)

با توجه به اینکه مفهوم تفکر انتقادی جزء اصول معرفت شناختی تعلیم و تربیت اسلامی و زیر مجموعه ی آن که تحت عنوان "نقد مداوم آموخته ها" نامیده شده، محسوب می شود، بنابراین لزوم شناخت جایگاه این مفهوم در سلسله مراتب مبانی تربیت اسلامی و روش های پرورش آن حائز اهمیت است تا به یک تعریف جامع از آن به عنوان یکی از اهداف مکتب اسلام که دارای هدف های مشخص و مقررات همه جانبه ای است و به اصطلاح سیستم حقوقی و اقتصادی و

سیاسی خاصی دارد، که نمی تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد برسییم و لذا پژوهش حاضر در صدد شناخت جایگاه این مفهوم در تعلیم و تربیت اسلامی و پسا ساختارگرایی است .

۱-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق:

همان طور که تفکرات مدرنیستی، روان کاوی و شناخت شناسی سایه خود را بر معرفت بشری گسترانده اند، چندان دور از ذهن نیست که افکار پست مدرنیستی نیز به سرعت در محافل علمی و سایر جوامع نفوذ کند. پس لازم است که پسا مدرن و پسا ساختارگرایی به عنوان اندیشه های رایج مورد توجه و بحث قرار گیرند. علاوه بر این آموزه های تربیتی و فرهنگی پسا ساختارگرا به سرعت در حال انتشار است بنابراین لزوم آشنایی مسئولین تربیتی با این آموزه ها امری انکارناپذیر است .

در سال های اخیر محققان و نظریه پردازان علوم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، توجه خاصی به تحلیل های پست مدرنیستی داشته اند. اما در زمینه تعلیم و تربیت جز اندکی، تحقیق گسترده ای صورت نگرفته و با توجه به اینکه پسا ساختارگرایی در مواجهه با تئوریهای کلان رشد انسانی، نهادها و ساختارهای اجتماعی دیدگاه های منتقدانه را تشویق می کند. به این ترتیب این رویکرد ضمن اینکه امکان نقد متفکرانه را نسبت به اهداف آموزشی، مدل های برنامه درسی و مدیریتی و عصر صنعتی فراهم می آورد ، در آن واحد رشد شیوه های تجربی و تفسیری تحقیق را به منظور بررسی دقیق پدیده های جدید آموزشی ترغیب می کند (دژگاهی، ص ۱۸، ۱۳۸۶) ضرورت شناخت رویکرد فلسفی پسا ساختارگرا بارز است، همچنین با توجه به حاکم بودن ساختار جامعه اسلامی که حاکی از آن است که اندیشه و فرهنگ اسلامی، به منزله ی امری ریشه دار در تاریخ این مرز و بوم، محتوا و جهت مشارکت مردم را مشخص می سازد، به عبارت دیگر، فعالیت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، بارور و در جهت اندیشه و فرهنگ اسلامی است. این خصیصه ی کلی نیز بر فلسفه تعلیم و تربیت این کشور، تاثیر قاطع و تعیین کننده ای خواهد داشت و بر این اساس، جریان تعلیم و تربیت باید تابع اصولی باشد که به باروری هر چه بیشتر سابقه ی فرهنگی این کشور منجر شود. یکی از عناصر اساسی در تدوین فلسفه تعلیم و تربیتی برای آموزش و پرورش ایران، مواجهه ی فرهنگی با دنیای غرب

است. زیرابستر ظهور چالش های تعیین کننده ای دروضع کنونی جامعه است. این مواجهه به دلیل گسترش و عمق ارتباط های بین فرهنگی که در دهه های اخیر میسر گردیده، عامل مهمی در به اوج رساندن این چالش هاست. (باقری، ۱۳۸۷، ص ۹۰۷) از این حیث لزوم بومی کردن آموزه های تربیتی برخاسته از تفکرات پسا ساختارگرا و به طور خاص "تفکر انتقادی" به عنوان شاکله اصلی این رویکرد بر اساس اصول ومبانی تعلیم و تربیت اسلامی با اهتمام به جایگاه ویژه تفکر انتقادی در مکتب اسلام و نقش آن در سازندگی فرد و اجتماع به گونه ای که انتقاد، یکی از حقوق واجب مسلمانان است و از صفات انسان کامل محسوب می شود ومقایسه این دو رویکرد به منظور استخراج ماهیت تفکر انتقادی از دیدگاه این دو مکتب است، تا براساس تعاریف بدست آمده دریابیم که آیا تفکر انتقادی مورد نظر در پسا ساختارگرایی با تفکر انتقادی برخاسته از اندیشه های اسلامی یکسان است و یا خیر؟

اهداف تحقیق:

هدف کلی: هدف عمده ی این تحقیق بررسی و مقایسه ماهیت تفکر انتقادی و مولفه های آن در دو حوزه ی فکری اسلام و پسا ساختارگرایی است.

اهداف جزئی:

۱. بررسی مبانی فلسفه تربیتی تفکر انتقادی و مولفه های آن در اسلام.
۲. بررسی مبانی فلسفه تربیتی تفکر انتقادی و مولفه های آن در پسا ساختارگرایی
۳. مقایسه ماهیت تفکر انتقادی و مولفه های آن در دو رویکرد فلسفی اسلام و پسا ساختارگرایی و شناسایی وجوه تمایز و افتراق آن ها.

پرسشهای تحقیق:

پرسش ۱. ماهیت تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی چیست؟

پرسش ۲. روش های تربیت تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی چیست؟

پرسش ۳. موانع رشد تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی چیست؟

پرسش ۴. وجوه تمایز و افتراق تفکر انتقادی از دیدگاه تربیتی اسلام و پسا ساختارگرایی چیست؟

تعریف واژگان کلیدی:

ماهیت: ماهیت یعنی ذات و چیستی شی

ما همواره اجسام و اشیای بی شماری را میبینیم که در جهان وجود دارند. هر کدام از این اشیا، چیزی هستند و مشخصاتی دارند. به همین چستی آن ها، ماهیت می گوئیم؛ مانند: کتاب، درخت و انسان که هر کدام، یک ماهیت هستند .

ما یک موجود و یا یک شیء را می بینیم که مشخصات و ویژگی هایی دارد و آن مشخصات و ویژگی ها چستی آن شیء را تشکیل می دهند. ما به مجموع این ویژگی ها روی هم رفته نامی می دهیم که همان نام شیء و ماهیت شیء است. به عبارت دیگر، ذاتیات شیء را مجموعاً ماهیت می نامیم .

به عنوان نمونه، ما چیزی را می بینیم که ساقه دارد، شاخه دارد، برگ دارد و غیره. سپس روی این چیز، نام درخت را می گذاریم. بنابراین، درخت ماهیت این چیز است. همین طور وقتی می گوئیم: آن مایع، سرکه یا آب است، ماهیت و به عبارت دیگر چستی آن را تعیین کرده ایم .